

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته:

بحث رسید به این روایتی که در ذیل این آیه شریفه از سوره مبارکه پیامبر وارد شده، بعد که پیامبر(ص) اشراط و علائم قیامت را بیان می‌کنند، در آخر می‌فرمایند «هذا معنى جاء أشراطها» مستقیماً به خود این آیه شریفه اشاره می‌کنند، یک مقداری از این روایت را خواندیم.

رسید به این قسمت که می‌فرماید « يا سلمان فعندها يليهم أقوام إن تكلموا قتلوهم » کنار این مردم آخر الزمان گروهایی هستند که اگر حرف بزنند آنها را می‌کشند « و إن سكتوا استباحوا حقهم » اگر سکوت کنند حقشان را مباح می‌شمردند،^[1] بعد دارد « ليستأثرون أنفسهم بفيئهم » که این را می‌شود به عنوان «لام» تعلیل و غایت برای گذشته هم خواند، می‌شود به عنوان «لام» تأکید خواند که دیگر ربطی به گذشته نداشته باشد. یعنی در آخر الزمان گروهی هستند که اینها اگر حرف بزنند کشته می‌شوند، یعنی مردم آخر الزمان نسبت به رعایت حقوق دیگران هیچ پایبندی ندارند، این قسمت روایت دلالت بر این دارد که اگر بخواهند یک عده‌ای از حقشان دفاع کنند «قتلوهم»^[2] «و إن سكتوا» اگر سکوت کنند حقشان را مباح می‌شمردند یعنی هر طوری بخواهند عمل می‌کنند و علیه اینها هم عمل می‌کنند. «ليستأثرون» مردم آخر الزمان غالباً این چنین هستند که اختیار می‌کنند «انفسهم بفيئهم» یعنی اموال دیگران را غارت می‌کنند، مال دیگران را از خودشان می‌دانند « و ليطئون حرمتهم و ليسفكن دماءهم » حرمت دیگران را پایمال می‌کنند، برای دیگران احترام قائل نیستند، یعنی حرمت‌ها شکسته می‌شود. « و ليمألن قلوبهم دغلا و رعبا، » قلوب دیگران را پر از رعب و عداوت می‌کنند، « فلا تراهم إلا وجلين خائفين مرعوبين مروهيين، » این قسمت روایت می‌خواهد بگوید بالأخره در آخر الزمان یک گروه غالب است، یک گروهی‌اند که حق می‌گویند یا اینکه حقوقی دارند، اینها حرف بزنند کشته می‌شوند، سکوت کنند حقشان را پایمال می‌کنند، حرمتشان را پایمال می‌کنند، خون آنها را به راحتی می‌ریزند و قلوب آنها را پر از رعب می‌کنند. «فلا تراهم» یعنی نمی‌بینی تو آن اقوام را « إلا وجلين خائفين مرعوبين مروهيين، » هیچ کاری از اینها بر نمی‌آید، آدم‌هایی هستند وجل، خائف، مرعوب و مربوب. یک مقدارش اشاره دارد به اینکه روح این قسمت این است که حقوق کاملاً پایمال می‌شود، افراد نمی‌توانند به حقوق خودشان برسند، دیگران هم به راحتی حقوق اینها را پایمال می‌کنند، خون اینها را به راحتی می‌ریزند، حرمتشان را می‌شکنند و اینها جز رعب و خوف چیز دیگری در اختیار ندارند، این یکی از علائم است که ما حالا باید در علائم آخر الزمان یا علائمی که مربوط به قیامت است بیابیم یک مقدار اولویت‌بندی کنیم، حالا در این علائم داریم که قبلاً هم خواندیم که زن‌ها با شوهرانشان در تجارت مشارکت می‌کنند، این هم هست! ولی آن کجا و این کجا! اینکه در آخر الزمان و نزدیک قیامت اقوامی هستند که انصراف به این هم دارد که آدم‌های مؤمن، متدین، صحیح الاعتقاد محق، این اقوال ظهور در همین دارد، دستشان به هیچ جا نمی‌رسد.^[3] « قال سلمان و إن هذا لكائن يا رسول الله قال إي و الذي نفسي بيده، » باز سلمان می‌پرسد واقع می‌شود؟ فرمود بخدا قسم همینطور است، «يا سلمان إن عندها يؤتى بشيء من المشرق و شيء من المغرب

یلون اُمّتی، « در نزدیک قیامت یک چیزی از مشرق می‌آورند و یک چیزی هم از مغرب می‌آورند که اُمّت من رنگ آن را پیدا می‌کند، مثلاً بگوئیم شرق زدگی یا غرب زدگی! یعنی آداب و رسوم غربی‌ها به کشورهای اسلامی می‌آید، حالا این برداشتی است که ما می‌کنیم، شاید آقایان این برداشت را نداشته باشند! ببینید جای دیگر این توضیحات هست یا خیر؟ «یَلُون اُمّتی» یعنی اینکه بالأخره آداب و فرهنگ کفاری که در شرق و غرب هستند، یعنی از کفاری که در مشرق و مغرب هستند به سراغ اُمّت اسلامی می‌آید، « فالویل لضعفاء اُمّتی منهم و الویل لهم من الله، «وویل» برای ضعفای اُمّت من است، ویل یا اشاره به آن چاهی است که در عمق جهنم است یا اشاره به عذاب شدید است. « لا یرحمون صغیرا و لا یوقرون کبیرا » این آثار شرق و غرب وقتی در میان مسلمان‌ها آمد دیگر لا یرحمون صغیرا و لا یوقرون کبیرا!^[14] « و لا یتجاوزون من مسيء » این همه اسلام سفارش به گذشت کرده اما ولو اینها هم اُمّت اسلامی‌اند، ولی اینها گذشت نمی‌کنند حاضر نیستند از یک مال اندکی گذشت داشته باشند.^[15] « جثتهم جثة الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین، « ولو امت اسلامی هستند اما قلوبشان قلوب شیطان است » قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله قال إی و الذی نفسی بیده ». این بلیه‌ای که در زمان ما روز به روز گسترش پیدا می‌کند، همجنس‌بازی در این روایت آمده « یا سلمان و عندها یکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یغار علی الغلمان کما یغار علی الجارية فی بیت أهلها » همان گرایشی که مولای جاریه به او دارد به غلمان هم همان گرایش پیدا می‌شود « و تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال » مردها خودشان را شبیه زن می‌کنند و زن‌ها هم خودشان را شبیه مرد می‌کنند. « و لترکبن ذوات الفروج السروج » زن‌ها سوار سروج می‌شوند، سَرَج به زین اسب می‌گویند، شاید هم قبلاً شنیده باشید از علائم آخر الزمان این است که زن بر اسب سوار می‌شود، بعضی‌ها گفته‌اند اسب کنایه از مرکب است در نتیجه مطلق مرکب را رسول خدا بیان می‌کنند، همین که زن امروز پشت ماشین می‌نشیند این چنین است، آن هم لترکبن ذوات الفروج السروج است، ولی به نظر من اصلاً خود مجرد اسب سواری‌اش را هم شامل نمی‌شود! این کنایه از این است که زن برای جنگ روی اسب می‌نشیند، چون اسب‌ها را که زین می‌کردند برای جنگ بوده، برای حضور در میدان جنگ بوده، یعنی زن‌ها هم در میدان جنگ مثل مردها بودند.^[16] لذا به نظر من لترکبن ذوات الفروج السروج یعنی زن می‌آید به میدان جنگ، حالا یک مقدارش این است که به میدان قدرت می‌آید و قدرت طلبی می‌کند و اینکه قدرت را کسب کند. بر زین حکومت می‌خواهد سوار شود « فعلیهن من اُمّتی لعنة الله، قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله فقال إی و الذی نفسی بیده یا سلمان إن عندها تزخرف المساجد » مساجد تزئین می‌شود « كما تزخرف البیع و الکنائس و تحلی المصاحف، « همانطوری که کلیساها و معابد دیگران تزیین می‌شود، مساجد را هم تزئین می‌کنند، قرآن‌ها را زینت می‌کنند « و تطول المنارات » منارات خیلی طولانی می‌شود « و تكثر الصفوف » صفوف نمازگزارها خیلی زیاد می‌شود اما « بقلوب متباغضة و ألسن مختلفة. « قلب‌ها بغض یکدیگر را دارند.^[17] » قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله قال إی و الذی نفسی بیده و عندها تحلی ذکور اُمّتی بالذهب » مردها از طلا استفاده می‌کنند « و یلبسون الحریر و الدیباچ » حریر و دیباچ می‌پوشند « و یتخذون جلود النمر صفافا » نمر همان پلنگ است، پوست پلنگ را به عنوان صفا ف قرار می‌دهند، صفا ف یک لباسی است که ترغیبش می‌کنند، یعنی اول خیلی خشن است برمی‌دارند یک کارهایی با آن می‌کنند که نرم می‌شود، الآن اینهایی که پوست پلنگ را لباس می‌کنند یک نرمی خاصی دارد. بعضی‌ها هم صفا ف را معنا کردند «أی یعملونها للدفّ و العور» ولی بعید است که مراد این باشد. می‌خواهند لباس خیلی نرمی بپوشند می‌گویند بهترین آن از پوست پلنگ است، قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله قال إی و الذی نفسی بیده یا سلمان و عندها یظهر الربا » در آخر الزمان ربا خیلی فراوان می‌شود «و یتعاملون بالعینه و الرشی » معامله عینه زیاد می‌شود، آنست که در فقه ما آمده که یک کسی پول نیاز دارد می‌آید سراغ یک کسی که جنس دارد و به او می‌گوید من این جنس را به تو نسیه می‌فروشم برای یک سال دیگر یک میلیون تومان، بعد نقد از تو می‌خرم به هشتصد هزار تومان، هشتصد هزار تومان به او می‌دهد، این را تعبیر به عینه می‌کنند، در فقه ما عینه باطل نیست! ولی ظاهرش این است که از معاملاتی است که مکروه باشد، یکی از حیل‌های فرار از ربای قرضی همین عینه است، برای اینکه گرفتار ربا نشوند یک معامله‌ی این چنینی انجام می‌دهند. «عن بیع الرجل مطاعه إلی أجل ثم یشتریک فی المجلس بثمان لیسلم به من الربا» به این می‌گویند بیع عینه، می‌گوید در آخر الزمان بیع عینه زیاد می‌شود، این دلیل بر این نیست که باطل است، اینکه کنار ربا قرار داده شده، عرض کردم فقهای ما معامله‌ی عینه را درست می‌دانند «و الرّشَاء» رشوه زیاد می‌شود «و یوضع الدین و ترفع الدنیا، قال سلمان و إن هذا لکائن یا رسول الله قال إی و الذی نفسی بیده یا سلمان و عندها یكثر الطلاق، « که حالا می‌بینید در زمان ما متأسفانه آمار طلاق زیاد است، از هر سه ازدواج یکیش منجر به

طلاق می‌شود، «فلا یقام لله حد» حدّ هم دیگر جاری نمی‌شود «و لن یضروا الله شیئاً» بعد می‌فرماید اینها ضرری به خدا وارد نمی‌کند، «قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال إي و الذي نفسي بیده یا سلمان و عندها تظهر القینات و المعازف» قینات به زنان خواننده می‌گویند، قینه می‌شود الامة المغنیه، مغازف هم همان آلات لهو است، تنبور و دنبک و ... را می‌گویند «و یلیهم أشرار أمتی،» اشرار اُمّت من هم کنار اینجور آدم‌ها هستند، امت من هم کنار اینجور آدم‌ها هستند «قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده یا سلمان و عندها تحج أغنیاء أمتی للنزهة» اغنیاء اُمّت من برای گردش می‌روند، قبلاً عرض کردم این روایت ولو سندش از جهت رجالی برای ما نمی‌تواند قابل قبول باشد ولی چیزهایی در آن وجود دارد که از غیرمعصوم صادر نمی‌شود! «و تحج أوساطها للتجارة و تحج فقراؤهم للرباء و السمعة» فقرا برای ربا می‌روند، متوسطین برای تجارت می‌روند و اغنیاء هم برای گردش می‌روند «فعندها یكون أقوام یتعلمون القرآن لغير الله و یتخذونه مزامیر،» با قرآن مثل آلات لهو حمل می‌کنند، یعنی همانطوری که آلات لهو یک جور صدای خاصی از آن در می‌آورند «و یكون أقوام یتفقّهون لغير الله» این خیلی انسان را می‌لرزاند و مربوط به ماست، مربوط به حوزه و طلاب و فضلاست؛ از علائم قیامت این است که انسان برای غیر خدا تفقّه می‌کند، می‌گوید من دنبال این هستم که این را حلال کنم، این می‌شود تفقّه برای غیر خدا! ما باید دنبال این باشیم که ببینیم خدا چه فرموده؟ همان را بفهمیم و بیان کنیم، اما دنبال این هستیم که حلال را حرام کنیم و حرام را حلال کنیم!^[8]

ما باید ببینیم ادله و آیات و روایات چه می‌گویند و این را ملاک قرار بدهیم «و تكثر أولاد الزنا، و یتغنون بالقرآن، و یتهافتون بالدنیا قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده. یا سلمان ذاك إذا انتهكت المحارم،» یعنی وقتی قیامت شود حرمت‌ها دریده می‌شود «و اکتسبت المآثم،» گناه‌ها زیاد می‌شود «و تسلط الأشرار علی الأخیار،» آدم‌های بد بر آدم‌های خوب تسلط پیدا می‌کنند «و یفشو الکذب و تظهر اللجاجة،» این هم نکته‌ی عجیبی است، از علائم این است که لجاجت زیاد می‌شود، به من می‌گویند اشتباه کردی، این حرفی که زدی یا کاری که کردی، صد نفر می‌گویند اشتباه است، نه! همین که من می‌گویم درست است، این لجاجت است.^[9] «و تغشو الفاقة» فقر زیاد می‌شود «و یتباهون فی اللباس» زیاد مباهات به یکدیگر می‌کنند «و یمطرون فی غیر أوان المطر، و یستحسنون الکوبة» کوبه همان قمار است یا آلات موسیقی «و المعازف و ینکرون الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر» می‌گویند یعنی چه امر به معروف و نهی از منکر؟^[10] «حتى یكون المؤمن فی ذلك الزمان أذل من الأمة و یظهر قراؤهم و عبادهم فیما بینهم التلاوم،» قراء و عباد بدگوئی یکدیگر را می‌کنند «فأولئك یدعون فی ملکوت السماوات الأرجاس و الأنجاس،» لا اله الا الله! در این دنیا قاری است و جزء عباد و زهاد است (به حسب ظاهر) ولی وقتی کنارش می‌نشیند بدگوئی شخصی که همدریف خودش هست را می‌کند، این را در ملکوت به عنوان رجس یاد می‌کنند. حالا اگر کسی آنجا به عنوان رجس یاد شد این دیگر روز قیامت نمی‌تواند «یوم یدعی کل أناسٍ بإمامهم» پشت سر امام معصوم (ع) قرار بگیرد، «قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله فقال إي و الذي نفسي بیده، یا سلمان فعندها لا یحض الغنی علی الفقیر حتی أن السائل یسأل فیما بین الجمعین لا یصیب أحدا یضع فی کفه شیئاً» اینقدر وضع بد می‌شود که یک نفر بین دو تا جمعه، دائماً از مردم درخواست می‌کند ولی کسی به او چیزی نمی‌دهد «قال سلمان و إن هذا لكائن یا رسول الله قال ص إي و الذي نفسي بیده یا سلمان عندها یتکلم الروبیضة،» رویبضه تصغیر رابضه است، رابضه وهو العاجز الذی ربضَ عن معالی الامور و قعد طلبها، آن کسی که از امور مهم عاجز است و نمی‌تواند به آن دستیابی پیدا کرده این مدعی می‌شود، این تکلم نه اینکه سخن بگوید، یعنی مدعی می‌شود، الآن رویبضه در زمان ما هم هستند، افرادی که نمی‌توانند دین را بیان کنند می‌گویند ما می‌توانیم دین را برای مردم تفهیم کنیم، همین است! افرادی که نباید امور مهم به دستشان باشد ولی افتاده. «فقال و ما الروبیضة یا رسول الله فذاك أبی و أُمی قال ص یتکلم فی أمر العامة من لم یکن یتکلم فلم یلبثوا إلا قلیلاً» فرمود وقتی علائم قیامت می‌شود یک زمان کمی می‌شود «حتى تخور الأرض خورة» یک فریادی از زمین بیرون می‌آید «فلا یظن کل قوم إلا أنها خارت فی ناحیتهم» در هر نقطه‌ی زمین این صدا می‌آید و همه هم فکر می‌کنند منشأ صدا همان نقطه بوده «فیمکثون ما شاء الله» یک مقداری مکث می‌کنند «ثم ینکتون فی مکثهم» در مکث‌شان هم مقداری تأمل می‌کنند «فتلقى لهم الأرض أفلاذ کبدها ذهباً و فضة» افلاذ آن قطعه‌ی مقطوعه‌ی توری را می‌گویند، زمین استوانه‌های طلا و نقره را بیرون می‌اندازد، یعنی از این زمین استوانه‌های طلا می‌آید، پیامبر به استوانه‌هایی که کنار مسجد الحرام بود اشاره فرمودند «ثم أوماً بیده إلى الأساطین فقال مثل هذا فیومئذ لا ینفع ذهب و

لا فضة؛ « استوانه‌ی طلا هست ولی هیچ فایده‌ای ندارد. بعد فرمود « فهذا معنى قوله فَقَدْ جاءَ أَشْرَاطُهَا » حالا یک نکاتی وجود دارد در مورد علائم، دو سه تا سؤال هم مطرح کردند که ان شاء الله جلسه‌ی آینده عرض می‌کنم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] - یکی از نکاتی که باید در آن دقت کرد کلمه‌ی «عند» است، آیا این «عند» معنایش این است که تمام این علائم همراه با هم باید باشد یا عندها اعم است، که این را بعد از اتمام روایت عرض می‌کنیم.

[2] - حالا این مصادیق متعددی هم می‌تواند در زمان ما داشته باشد

[3] - حالا ببینید الآن در همین کشورهای عربی، شیعیانی که آنجا هستند، در خود بحرین «إن تکلموا قتلوهم و إن سکتوا استباحوا حقهم» این تعابیر « لیستأثرون أنفسهم بفیئهم و لیطئون حرمتهم و لیسفکن دماءهم » غالباً بر این شیعه‌های مظلوم آنجا تطبیق می‌کند، یا شیعه‌هایی که در جاهایی دیگر هستند، اشاره به این جهت هم دارد.

[4] - واقعاً هم الآن در زمان ما همینطور است، در زمان ما اینکه ما دیگر رعایت پیرمرد را نمی‌کنیم، یک کسی که سنش بیشتر از ماست در یک جایی وارد می‌شود ما یا جوان‌تر از ما سعی می‌کنند جای خوب را خودشان بنشینند و به اینها توجه نکنند و به کلامشان وقعی ننهند، این از همین است که یؤتی شیئ من المشرق و شیء من المغرب.

[5] - این همه نزاع‌هایی که هست، این همه زندانی‌ها، آدم به ریشه‌اش که می‌رسد می‌بیند اگر یکی‌شان یک گذشت کرده بود قتلی واقع نمی‌شد، این اختلافات به وجود نمی‌آمد. همین که رهبری بزرگوار در سفر به استان خراسان شمالی این نکته را تأکید کردند که ما باید ابعاد و حقیقت تمدن اسلامی را پیدا کنیم، بررسی کنیم و شیوه‌ی زندگی مسلمان‌ها آسیب‌هایی که به مسلمین وارد می‌شود، ریشه‌اش همین است که در این روایت پیامبر(ص) آمده. این روایات گذشت را ما نمی‌آئیم برای مردم بیان کنیم، روایات اخلاقی را باید رسانه‌ها، ما طلبه‌ها، گاهی منبر می‌رویم سعی کنیم دو سه تا نکته‌ی اخلاقی مهم و کلیدی برای مردم بیان کنیم. سال گذشته یک آقای ده شب یک جا منبر رفت، مردم آنجا نقل کردند، گفتند این مقدار که ما راجع به انرژی هسته‌ای اطلاعات پیدا کردیم راجع به امام حسین اطلاعات پیدا نکردیم! این درست نیست، مسائل این چینی هم باید اشاره شود، اما ما باید روح زندگی اسلامی را، خیلی از ماها به دنیا می‌آئیم و از دنیا می‌رویم و بلد نیستیم چطور زندگی کنیم، چون از این منابع و معارف دور هستیم، نوع انسان‌ها و مسلمان‌ها و امت اسلامی را عرض می‌کنیم.

[6] - الآن شما ببینید کشورهای خارجی وقتی می‌خواهند نیرو بفرستند به همان تعدادی که مرد است یک مقدار کمتر زن D8 دلی از ماها به دنیا می‌آئیم و از دنیا می‌رویم و بلد نیستیم چطور زندگی کنیم، چون از این منابع و معارف دور هستیم، نوع انسان‌ها و مسلمان‌ها و امت اسلامی را عرض می‌کنیم.

[6] - الآن شما ببینید کشورهای خارجه ٪۱۰ یک امر مکروهی باشد یا امر غیر جایزی باشد باید آنجا استثناء کنند و این استثناء را نکردند، این را باز دقت بفرمایید.

[7] - الآن ببینید در مدینه و مکه افرادی در صف می‌ایستند، این می‌گویند او مشرک است و او می‌گوید این مشرک است، قلوب متباغض‌اند و السن مختلف‌اند.

[8] - امروز اگر به صریح آیه‌ی قرآن ازدواج دوم و سوم و چهارم مشروع است، ما بگوئیم نه و جایز نیست. بیائیم یک شروط خلاف شرع بگذاریم و نتیجه‌اش هم بخشی از فساد جامعه‌ی امروز باشد. اصلاً بازی کردن با قوانین الهی همین آثار را دارد. قبلاً عرض کردم در سال 72 قانونی که برای کنترل جمعیت گذاشته شد بسیار اشتباه بوده! درست خلاف شرع بوده، تردیدی در این وجود ندارد. در همان زمان متأسفانه برای خوشآمد فکر روز آن زمان در همین حوزه رساله‌هایی برای تأیید این موضوع نوشته شد، چرا؟ چرا ما باید گرفتار جو شویم ببینیم اینکه جو می‌گوید خوب است ما هم دنبالش باشیم که این را این چنین کنیم، ما باید ببینیم ادله و قرآن و روایات چه می‌گویند، از جیب خودمان چیزی اضافه نکنیم، اگر بخواهیم از جیب خودمان اضافه کنیم همین می‌شود، امروز افرادی - ولی بحمدالله از عدد انگشتان یک دست هم تجاوز نمی‌کند - دنبال این هستند که حجابی که در اسلام آمده پوشش از گردن به پائین است، کتاب نوشته‌اند و در سایت‌هایشان گذاشته‌اند، این می‌شود یتفقون بغیر الله، آخرش

هم می‌گویند ما هم به شیوه‌ی اجتهاد صاحب جواهری داریم اجتهاد می‌کنیم، این می‌شود فکر شیطانی که شیطان انسان را فریب می‌دهد می‌گوید تو هم بر همان وزانی که صاحب جواهر استدلال می‌کند استدلال می‌کنی، این می‌شود یتفقه‌شورهای خار، بگوئیم ارتداد به نظر من باطل است، اجتهاداً هم می‌خواهم بگویم این باطل است، ما چکاره‌ایم که این حرف را بزنیم؟ ما هستیم و روایات و آیات و ادله، وقتی می‌بینیم دنیا نمی‌پسندد می‌خواهیم بگوئیم ما می‌خواهیم کاری کنیم که دین ما با شما یکی باشد. من در جواب یکی‌شان گفتم شما که می‌گوئی اسلام دین رحمانیت است، این رحمانیتی است که غرب به تو یاد داده، تو می‌خواهی انسان را دین غربی کنی، می‌خواهی این کار را بکنی، اینکه اصلاً اسلام نشد! او در نوشته‌اش نوشته بود که بین این اسلامی که ما برداشت می‌کنیم و آنچه که عقل و دنیای امروز و حقوق بشر می‌گوید تعارض نیست، البته تعارض نیست، وقتی تو دین را همان کردیم دیگر دو تا نیست که تعارض باشد. شما اگر دو چیز را یکی کردی که تعارض معنا ندارد. شما می‌گوئید اسلام جزائیات ندارد، اسلام حقوق نکاحی که در آن بیان شده ممنوع! این قوانین و حقوقی که برای مرد قرار داده کنار برود و این حقوقی که برای زن قرار داده کنار برود، اینکه بشر به عنوان حقوق بشر نوشته باید به میدان بیاید! اسلام حکومت ندارد، امر به معروف و نهی از منکر ندارد، دیگر چه چیز از اسلام باقی می‌ماند، آنچه هست همان است که غربی‌ها می‌گویند. مراقب باشیم تفقه برای غیر خدا زیاد هست.

[9] - آدم خدایی نکرده بیاید در امر حکومت لجاجت کند، یک قوه‌ای در اختیارش باشد و لجاجت کند، مسئول دیگر همه می‌گویند که تو خلاف قانون عمل می‌کنی باز هم می‌گوید نه! فقط من قانون می‌فهمم و به آن عمل می‌کنم، بقیه هم کشک، این لجاجت است. آقا اشتباه کردی بگو اشتباه کردم! اسلام این را می‌گوید. بزرگان ما که اینها با آنها اصلاً قابل مقایسه نیستند و نباید توهم مقایسه هم کرد، گاهی اوقات به اشتباهشان اعتراف می‌کردند

[10] - برای اینکه بیایند قانونی را شُل کنند می‌گویند این کسی که می‌خواهد امر به معروف کند خودش همه‌ی معروفها را کاملاً بشناسد، پس نتیجه این است که هیچ وقت کسی نباید امر به معروف کند، یک سری معروفها هست که مسلم است، بی‌حجابی منکر است، این را هم آدم باید بشناسد؟ حجاب معروف است، تو که راجع به حجاب امر می‌کنی آیا خودت با ادله معروف را می‌شناسی یا نه؟ کدام فقیهی این حرف را زده؟ ریشه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را دارند می‌زنند!؟.